خبر

بقایی خطاب به مکرون: گاهی تاریخ به خانه صاحبان ائتلاف‌های نامبارک برمی‌گردد

سخنگوی وزارت خارجه با یادآوری مواضع و عملکرد فرانسه در قبال تحولات داخلی ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴، خطاب به رئیس‌جمهور فرانسه نوشت: تاریخ همیشه از پنجره‌ای که ائتلاف‌های نامبارک برایش باز می‌کنند، به تماشای سوختن جهان نمی‌نشیند؛ گاهی همان پنجره را می‌شکند و به داخل خانه صاحبانش برمی‌گردد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پیامی با یادآوری مواضع و عملکرد فرانسه در قبال تحولات داخلی ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴ و همچنین تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، به رویکرد دولت فرانسه در برخورد با اعتراضات اخیر این کشور واکنش نشان داد. سخنگوی وزارت امور خارجه دراین‌باره در پیامی در شبکه ایکس نوشت: «آقای مکرون! یادتان هست که در ماه ژانویه گذشته برای کسانی که با فراخوان‌های شرورانه از خارج ایران به مراکز انتظامی و مؤسسات عمومی کشور ما تعرض می‌کردند، نسخه «تجمع مسالمت‌آمیز بدون ترس از مجازات» می‌پیچیدید؟! حالا، در جمهوری خودتان، می‌گویید تخریب و حمله به نهادها تحمل نمی‌شود و عاملان آن به‌شدت مجازات خواهند شد! نیز از یاد نبرده‌ایم که اندک‌زمانی پیش از تجاوز نظامی علیه ایران، پیامکی به رئیس‌جمهور آمریکا زدید و وعده دادید: «می‌توانیم کارهای بزرگی درباره ایران انجام دهیم». بعدا مشخص شد که منظورتان از آن «کارهای بزرگ» همراهی با تجاوز و جنایاتی بود که آتش آن دامن منطقه و جهان را نیز گرفت. آقای مکرون! حالا که آتش در خانه خودتان افتاده است و در آمریکا فریاد «نه به پادشاه» بلند است، به خاطر بسپارید که تاریخ همیشه از پنجره‌ای که ائتلاف‌های نامبارک برایش باز می‌کنند، به تماشای سوختن جهان نمی‌نشیند؛ گاهی همان پنجره را می‌شکند و به داخل خانه صاحبانش برمی‌گردد. به قول ژان دو لافونتن: «حیله‌ای که ماهرانه‌تر بافته شده، ممکن است بیشتر به زیان طراحش تمام شود؛ و خیانت، چه‌بسا به سوی صاحب خود بازگردد».

سخنگوی دولت: ایستادگی، زن و مرد نمی‌شناسد

سخنگوی دولت با تأکید بر نقش زنان و مردان در دفاع از کشور گفت: در ایستادگی فرقی ندارد که جنسیت آدم زن باشد یا مرد؛ ایستادگی در مسیر حفظ استقلال کشور، زن و مرد نمی‌شناسد. فاطمه مهاجرانی در نشست تخصصی معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده با مشاوران وزرا و دستگاه‌های اجرائی، با اشاره به جایگاه شهدا و اهمیت حفظ استقلال کشور اظهار کرد: مفتخرم در جمعی حضور دارم که به نام شهدا مزین است و در مکانی هستیم که موزه‌ای نماد اقتدار ماست و نشان می‌دهد مردم ایران چگونه برای حفظ استقلال خود، با کمترین امکانات، بیشترین دستاوردها را به دست آورده‌اند. او با اشاره به تجربه تاریخی ایران در جنگ‌های دو قرن گذشته افزود: در طول ۲۰۰ سال گذشته، جنگی نبوده که در آن سرزمینی از دست نداده باشیم؛ جنگ‌ها را بر ما تحمیل کردند تا سرزمین‌مان را بگیرند. نخستین جنگی که حتی به اندازه یک وجب از خاک کشور را از دست ندادیم، دفاع مقدس بود و این یکی از افتخارات ماست. سخنگوی دولت با اشاره به شرایط کشور در آغاز جنگ تحمیلی اظهار کرد: در حالی که کشور تازه از انقلاب عبور کرده بود و با بحران‌هایی ازجمله غائله کردستان و ترکمن‌صحرا مواجه بود، مردم به‌گونه‌ای ایستادگی کردند که نشان دادند ما می‌خواهیم و ما می‌توانیم. سخنگوی دولت با تأکید بر نقش زنان و مردان در دفاع از کشور گفت: در ایستادگی فرقی ندارد که جنسیت آدم زن باشد یا مرد؛ ایستادگی در مسیر حفظ استقلال کشور به زن و مرد محدود نمی‌شود. مادران نیز به واسطه مادربودن، در سختی‌ها وسعت قلب پیدا می‌کنند و روح انسان در دشواری‌ها بزرگ‌تر می‌شود. او با اشاره به رنج خانواده‌های شهدا و توان آنان برای تحمل داغ عزیزانشان افزود: مادری که چند فرزند خود را به خاک می‌سپارد، دلش از سنگ نیست؛ دلش از برگ گل نازک‌تر است، اما خداوند به او توان می‌دهد تا در مسیر انتخاب‌شده خود بایستد. سخنگوی دولت همچنین خطاب به فرزند شهید افسانه عقیلا، با اشاره به دشواری از دست دادن عزیزان گفت: همان خدایی که به مادران و همسران شهدا توان داد تا عزیزانشان را به خاک بسپارند، به شما و خانواده شهید نیز صبر خواهد داد؛ صبری که خودتان از آن متعجب خواهید شد. این کار، کار بشری نیست، بلکه امری فراتر از توان معمول انسان است. مهاجرانی با بیان اینکه روزی الهی تنها به معنای خوراک و نیازهای مادی نیست، ادامه داد: صبر، عقل، درایت و احساس نیز روزی هستند و خداوند این توانایی‌ها را به انسان عطا می‌کند. او با اشاره به توجه رهبر شهید به فرزندان شهدا گفت: زمانی که از ایشان پرسیده بودند چرا تا این اندازه به آرمیتا رضایی توجه می‌کنند، پاسخ داده بودند که این کودک شهادت پدرش را دیده، اما صبورانه در کنار مادرش ایستاده و امروز دانشجوی پزشکی است. این نشان می‌دهد که خداوند صبر را همچون هدیه‌ای الهی در قلب مؤمنان به ودیعه می‌گذارد. سخنگوی دولت با تأکید بر پیوند صبر و ایستادگی اظهار کرد: صبر در کنار ایستادگی، حاصلش ظفر خواهد بود. امیدواریم خداوند به لطف و نظر خود، ملت ایران را از این بزنگاه دشوار نیز عبور دهد. او با قدردانی از نیروهای مسلح و مردم گفت: دست و بازوی نیروهای نظامی کشور را می‌بوسیم و قدردان مردم هستیم که بیش از ۲۰۰ شب، میدان‌ها را پرشور نگه داشته‌اند و با عقلانیت و درایت در مسیر انسجام ملی گام برمی‌دارند.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

دانشگاه علم و صنعت ایران

دانشگاه علم و صنعت ایران در نظر دارد تعویض ۲۰۰ دستگاه موتور و سایر تجهیزات کولر آبی قدیمی با موتور BLDC برای دانشگاه مطابق مشخصات اعلام شده در مدارک و مستندات پیوست به شماره فراخوان (۲۰۰۵۰۹۴۵۵۷۰۰۰۰۱۱) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.setadiran.ir واگذار نماید.

اطلاعات تماس و نشانی دستگاه مناقصه گزار:

شماره تلفن: ۷۷۲۴۰۴۲۱ اداره کارپردازی

نشانی: تهران- میدان رسالت- خیابان دانشگاه علم و صنعت- دانشگاه علم و صنعت ایران کد پستی: ۱۳۱۱۴-۱۶۸۴۶

مواعد زمانی:

– **تاریخ انتشار فراخوان:** روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸

– **مهلت دریافت اسناد فراخوان:** از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۲

– **مهلت تحویل پیشنهادات:** از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۲ لغایت ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۳

– **زمان بازگشایی پاکات:** ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۳

مبلغ و نوع تضمین سپرده شرکت در مناقصه:

– **مبلغ تضمین:** ۴.۷۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

– **نوع تضمین:** ضمانتنامه بانکی یا واریز مبلغ تضمین به شماره حساب ۷۷۹۲-۰۷۱۴-۰۷۵۷-۴۰۰۱ نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه سپرده دانشگاه علم و صنعت ایران

م الف ۲۳۹۹ شناسه آگهی ۲۳۰۵۳۱۲

روایت «شرق» از سفر لاوروف به تهران و محاسبات چندلایه مسکو در بحران ایران و آمریکا

شطرنج هسته‌ای روس‌ها در تهران



لاوروف در تهران؛ تأکید بر دیپلماسی برای پایان بحران و گسترش همکاری‌های راهبردی

سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، دیروز دوشنبه ۲۷ مهرماه در جریان سفر به تهران با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دیدار و درباره روابط دوجانبه، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، مذاکرات ایران و آمریکا و بحران امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز گفت‌وگو کرد. دو وزیر پس از این دیدار در نشست خبری مشترک، بر ضرورت استفاده از راهکارهای دیپلماتیک برای حل بحران‌ها تأکید کردند. عراقچی در این نشست، مذاکرات دو طرف را «مهم، فشرده و ثمربخش» توصیف کرد و گفت روابط تهران و مسکو پس از امضا و اجرائی‌شدن موافقت‌نامه مشارکت جامع راهبردی، وارد مرحله تازه‌ای شده است. به گفته وزیر امور خارجه ایران، در این دیدار راهکارهای عملی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری، سیاسی و فرهنگی بررسی شد و همکاری‌های اقتصادی دو کشور روند مطلوبی دارد. وزیر امور خارجه ایران همچنین اعلام کرد که دو طرف درباره مسائل خلیج فارس، غرب آسیا، قفقاز و اروپا، مذاکرات ایران و آمریکا و تحولات اوکراین تبادل نظر کرده‌اند. عراقچی با تأکید بر اینکه مسائل منطقه راه‌حل نظامی ندارند، گفت تهران و مسکو پیگیری راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک را ضروری می‌دانند. او ناامنی‌های خلیج فارس و تنگه هرمز را نیز به آنچه تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران و محاصره اقتصادی خواند، مرتبط دانست. پرونده فلسطین، تحولات لبنان و یمن و همچنین تنش‌های افغانستان و پاکستان از دیگر موضوعات مطرح‌شده بود. عراقچی از بررسی حملات اخیر به کشتی‌های تجاری ایران و روسیه و تعرض به زیرساخت‌های بندری در دریای خزر خبر داد و نسبت به پیامدهای امنیتی و زیست‌محیطی این حوادث هشدار داد. او همچنین بر ادامه هماهنگی تهران و مسکو در نهادهایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأکید کرد. لاوروف نیز در نشست خبری مشترک، حمله آمریکا و اسرائیل به ایران را بی‌اساس و غیرقابل توجیه توصیف کرد و گفت روسیه آمادگی دارد برای یافتن راه‌حل و خروج از بحران کمک کند. او بر استفاده از دیپلماسی برای برقراری صلح و ثبات بلندمدت در منطقه تأکید کرد و بازگشت وضعیت خلیج فارس و تنگه هرمز به شرایط پیش از بحران، احیای آزادی کشتیرانی و تضمین عدم تکرار حملات را از اهداف مدنظر برشمرد. او همچنین از تلاش‌های میانجیگران برای حل بحران قدردانی کرد. وزیر امور خارجه روسیه با اشاره به روند همکاری‌های اقتصادی گفت حجم مبادلات تجاری دو کشور در سال گذشته ۲۱ درصد افزایش یافته و در هشت ماه نخست سال جاری نیز نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۰ درصد رشد داشته است. لاوروف همچنین از بازگشت تدریجی کارکنان روس نیروگاه اتمی بوشهر به ایران خبر داد و ابراز امیدواری کرد مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در اجلاس کشورهای صادرکننده گاز که قرار است در مسکو برگزار شود، شرکت کند. بر اساس اعلام وزارت امور خارجه ایران، سفر لاوروف در چارچوب رایزنی‌های مستمر تهران و مسکو برای پیگیری توافق‌های دوجانبه و مشورت درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی انجام شده است. وزیر خارجه روسیه قرار بود در ادامه سفر خود با رئیس‌جمهور ایران نیز دیدار کند.

عبدالرحمن فتح‌الهی: سفر سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، به تهران را باید در پیوند با سه روند مهم ارزیابی کرد؛ نخست، تداوم بحران میان ایران و آمریکا و دشواری دستیابی به توافقی برای پایان جنگ و تثبیت امنیت تنگه هرمز؛ دوم، تلاش تهران و مسکو برای عملیاتی‌کردن معاهده مشارکت جامع راهبردی و در نهایت کوشش کرملین برای تثبیت جایگاه خود در ترتیبات آینده امنیت خلیج فارس. با این حال، پرونده هسته‌ای ایران می‌تواند محور کانونی این سفر و حلقه اتصال این سه روند باشد؛ به‌ویژه در شرایطی که مسکو پیش‌تر پیشنهاد انتقال اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه را مطرح کرده است و همچنان امکان نقش‌آفرینی در کاهش تنش میان تهران و واشینگتن را دنبال می‌کند.

از این منظر، یکی از اهداف احتمالی لاوروف می‌تواند فراهم‌کردن زمینه بازگشت پرونده هسته‌ای به مسیر مذاکرات و استفاده از آن به‌عنوان نقطه ورود به ترتیبات گسترده‌تر برای مهار بحران باشد. چنین رویکردی علاوه بر کمک احتمالی به کاهش تنش، می‌تواند ظرفیت دیپلماتیک روسیه و نقش آن را در معادلات منطقه‌ای تقویت کند. در کنار این محور، گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ترانزیتی با ایران و حفظ ارتباط هم‌زمان با کشورهای عربی و آمریکا نیز از ملاحظات مسکو به شمار می‌رود. با این همه، تبدیل پرونده هسته‌ای به مسیر عملی مذاکرات، به موضع تهران، محاسبات واشینگتن و میزان آمادگی طرفین برای پذیرش ترتیبات جدید بستگی دارد. نزدیکی راهبردی ایران و روسیه نیز لزوما به معنای همسویی کامل منافع آنها نیست. از این‌رو، باید میان ظرفیت میانجیگری مسکو و محدودیت‌های آن تمایز گذاشت.

تلاش مسکو برای گشودن مسیر مذاکره از ریل پرونده هسته‌ای؟

اظهارات اخیر مقام‌های روس درباره آمادگی مسکو برای انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران، بار دیگر احتمال نقش‌آفرینی کرملین در پرونده هسته‌ای تهران را مطرح کرده است؛ موضوعی که می‌تواند در سفر سرگئی لاوروف به تهران و رایزنی‌های او با مقام‌های ایرانی اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، اعلام کرده است مسکو در صورت لزوم، آماده انتقال تمام ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران است. ولادیمیر پوتین نیز پیش‌تر تأکید کرده بود که پیشنهاد روسیه برای انتقال این ذخایر همچنان معتبر است. این مواضع در کنار گزارش‌ها درباره انتقال دیدگاه تهران به واشینگتن از طریق پوتین، نشان می‌دهد مسکو مایل است گزینه‌های مربوط به حل‌وفصل اختلاف هسته‌ای ایران و آمریکا را همچنان روی میز نگه دارد.

در این چارچوب، یکی از اهداف احتمالی روسیه می‌تواند برجسته‌کردن پرونده هسته‌ای به‌عنوان محور اصلی اختلاف تهران و واشینگتن و فراهم‌کردن زمینه ورود دوباره آن به مسیر مذاکرات باشد. از نگاه مسکو، طرح گزینه‌هایی مانند انتقال اورانیوم غنی‌شده می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای کاهش تنش مطرح شود؛ هرچند مشخص نیست این پیشنهاد تا چه اندازه با ملاحظات و خطوط قرمز تهران سازگار باشد. هم‌زمانی سفر امروز، سه‌شنبه، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به تهران (که بنا بر اخبار واصله طی ساعات پیش‌رو انجام می‌شود)، با حضور سرگئی لاوروف را نیز می‌توان از منظر دیپلماسی غیرمستقیم میان تهران و واشینگتن بررسی کرد. این هم‌زمانی احتمالا می‌تواند زمینه‌ای برای تکمیل تلاش‌های دیپلماتیک روسیه فراهم کند؛ به این معنا که لاوروف در رایزنی‌های خود با مقام‌های ایرانی، امکان بازگرداندن پرونده هسته‌ای به دستور کار مذاکرات ایران و آمریکا را بررسی کند و اسلام‌آباد نیز به‌عنوان کانالی برای انتقال جمع‌بندی‌ها و پیام‌های تهران به واشینگتن ایفای نقش کند. البته بدون شواهد روشن درباره هماهنگی این دو سفر، این برداشت را باید یک فرضیه تحلیلی دانست، نه نشانه‌ای قطعی از وجود یک ابتکار دیپلماتیک مشترک.

با این حال، آمادگی روسیه برای پذیرش ذخایر اورانیوم ایران لزوما به معنای موافقت تهران با چنین ترتیبی نیست. ایران تاکنون بر هماهنگی‌های گسترده با مسکو و روابط نزدیک دو کشور تأکید کرده، اما همکاری راهبردی با روسیه لزوما به معنای پذیرش ابتکارهای پیشنهادی آن در حساس‌ترین پرونده امنیتی کشور نیست. از سوی دیگر، تحولات اخیر در روابط مسکو و واشینگتن، ازجمله تلاش‌های گزارش‌شده برای کاهش برخی محدودیت‌های نفتی روسیه، یادآور آن است که کرملین نیز منافع مستقل خود را دنبال می‌کند. بنابراین، پرسش اصلی این است که آیا لاوروف می‌تواند تهران را به بررسی گزینه‌های تازه هسته‌ای ترغیب کند؟ پاسخ ایران و میزان همراهی واشینگتن، همچنان دو عامل تعیین‌کننده هستند و تحقق هدف احتمالی مسکو را با ابهام مواجه می‌کنند.

میانجیگری در سایه جنگ و بن‌بست دیپلماتیک

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های سفر لاوروف، تلاش‌های پیشین مسکو برای کمک به پایان‌دادن درگیری ایران و آمریکاست؛ کماابیش ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در دیدار هشتم اکتبر ۲۰۲۶ با مسعود پزشکیان در ترکمنستان، آمادگی کشورش را برای کمک به حل بحران اعلام کرد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، پوتین پس از آن نیز در تماس تلفنی با دونالد ترامپ، دیدگاه ایران درباره راه‌حل احتمالی مناقشه را با هماهنگی تهران منتقل کرد. این تحولات نشان می‌دهد مسکو صرفا به اعلام مواضع عمومی درباره ضرورت توقف جنگ بسنده نکرده و دست‌کم در سطح انتقال پیام، امکان استفاده از ارتباطات خود با واشینگتن را نیز آزموده است. از این حیث سفر لاوروف فرصتیرا برای پیگیری این مسیر، هماهنگ‌کردن مواضع دو کشور و بررسی ظرفیت‌های دیپلماتیک موجود فراهم می‌کند. در نتیجه، میانجیگری یا تسهیل ارتباط میان تهران و واشینگتن یکی از ابعاد مهم سفر لاوروف است که صدالبته نمی‌توان آن را تمام مأموریت وزیر خارجه روسیه دانست.

در ارزیابی نقش مسکو باید میان میانجیگری رسمی و نقش مکمل دیپلماتیک تفاوت گذاشت. گزارش‌های موجود حاکی از آن است که پاکستان و قطر در انتقال پیام‌ها و پیگیری مذاکرات میان ایران و آمریکا نقش مستقیم‌تری داشته‌اند. تهران نیز بر نقش این دو کشور در روند جاری تأکید کرده است. در چنین شرایطی، روسیه می‌تواند با انتقال دیدگاه‌ها، گفت‌وگو با مقام‌های آمریکایی و حمایت از راه‌حل سیاسی، مسیر دیپلماسی را تکمیل کند، بدون آنکه لزوما جای میانجی‌های موجود را بگیرد. این تفکیک از نظر سیاسی اهمیت دارد. روسیه برای ارتباط با هر دو طرف ظرفیت‌هایی دارد، اما برخورداری از کانال ارتباطی با واشینگتن به‌خودی‌خود به معنای توانایی حل اختلافات بنیادی نیست. میانجی می‌تواند سوءبرداشت‌ها را کاهش دهد، پیشنهادها را منتقل کرده و زمینه گفت‌وگو را فراهم کند؛ تصمیم درباره شروط پایان جنگ و پذیرش تعهدات، همچنان در اختیار طرف‌های اصلی مناقشه باقی می‌ماند.

تنگه هرمز و اختلاف بر سر ترتیب مذاکرات

یکی از گره‌های اصلی بحران، پیوند میان پایان جنگ، بازگشت امنیت دریایی و پرونده هسته‌ای است. بر اساس گزارش‌های مطرح‌شده، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه، اخیرا خبر داده که مسکو در صورت لزوم آمادگی دارد تمام ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران را منتقل کند. همچنین ایران و آمریکا پیشنهادهایی برای پایان‌دادن به درگیری و بازگشایی تنگه هرمز مبادله کرده‌اند، اما درباره محتوای توافق و ترتیب رسیدگی به مسائل اختلاف دارند. تهران خواهان آن بوده که امنیت دریایی و مسئله تنگه هرمز در مراحل نخست مورد توجه قرار گیرد؛ در حالی که واشینگتن بر پرداختن زودهنگام به موضوع هسته‌ای اصرار داشته است. این اختلاف نشان می‌دهد که مانع اصلی مذاکرات صرفا نبود ارتباط میان دو طرف نیست؛ مسئله مهم‌تر، تعریف ترتیب امتیازدهی، دامنه تعهدات و سازوکار اجرای توافق احتمالی است. حتی اگر مسکو بتواند پیام‌های دو طرف را به‌درستی منتقل کند، تا زمانی که درباره این مسائل تفاهمی حاصل نشود، امکان دستیابی به راه‌حل پایدار محدود خواهد بود. از سوی دیگر، تنگه هرمز فقط موضوعی دوجانبه میان ایران و آمریکا نیست؛ اهمیت این گذرگاه برای انتقال انرژی و تجارت دریایی سبب می‌شود که ادامه بحران پیامدهایی فراتر از مرزهای دو کشور داشته باشد. اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل و افزایش خطرات کشتیرانی می‌تواند بر هزینه‌های انرژی، تجارت جهانی و محاسبات امنیتی کشورهای منطقه اثر بگذارد. از همین رو، روسیه انگیزه دارد که از گسترش بحران جلوگیری کند و خود را در تلاش‌های مربوط به بازگرداندن ثبات سهیم نشان دهد. با این حال، باید میان انگیزه روسیه برای مهار بحران و توانایی آن برای تحقق این هدف تمایز گذاشت. مسکو می‌تواند در روند دیپلماتیک مؤثر باشد، اما موفقیت هر ابتکار به آمادگی سیاسی تهران و واشینگتن و پذیرش متقابل شروط یک توافق وابسته است.

طرح امنیت جمعی خلیج فارس و بازتعریف نقش روسیه

یکی از ابعاد مهم سفر لاوروف، ارتباط آن با طرح دیرینه روسیه برای ایجاد نظام امنیت جمعی در خلیج فارس است. این ابتکار از اواخر دهه ۱۹۹۰ در دستور کار مسکو قرار داشته و در سال ۲۰۱۹ در قالب اسناد رسمی به سازمان ملل ارائه شده است. نسخه به‌روزشده آن نیز در سال ۲۰۲۱ در اختیار این سازمان قرار گرفت. بنابراین، طرح امنیت منطقه‌ای روسیه را نمی‌توان واکنشی مقطعی به جنگ اخیر یا ابتکاری صرفا مرتبط با سفر لاوروف دانست. منطق اصلی این طرح بر این فرض استوار است که امنیت پایدار خلیج فارس بدون مشارکت همه کشورهای منطقه امکان‌پذیر نیست. در این چارچوب، ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس باید در مرکز گفت‌وگوهای امنیتی قرار گیرند و اختلافات از مسیر مذاکره، اعتمادسازی و سازوکارهای مشترک مدیریت شوند. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، پایبندی به منشور ملل متحد، مقابله با تروریسم، منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و حفظ آزادی کشتیرانی ازجمله اصول و موضوعات مطرح در این چارچوب هستند.

لاوروف در نشست گفت‌وگوی راهبردی روسیه و شورای همکاری خلیج فارس در منامه نیز بر ضرورت شکل‌گیری ساختاری فراگیر تأکید کرده بود که افزون بر کشورهای عربی خلیج فارس، ایران و همسایگانی مانند عراق و اردن را نیز در بر بگیرد. در این نگاه، بازیگران فرامنطقه‌ای می‌توانند در حمایت از روند گفت‌وگو مشارکت کنند، اما نباید منافع و اولویت‌های امنیتی کشورهای منطقه را تحت‌الشعاع قرار دهند. طرح روسیه از نظر سیاسی دو کارکرد دارد؛ نخست، می‌کوشد چارچوبی برای کاهش تنش میان ایران و کشورهای عربی فراهم آورد و از تبدیل اختلافات منطقه‌ای به رویارویی‌های گسترده‌تر جلوگیری کند و دوم، برای مسکو فرصتی ایجاد می‌کند تا خود را به‌عنوان تسهیلگر گفت‌وگوهای امنیتی معرفی کند و در ترتیبات آینده منطقه سهم بیشتری به دست آورد. این دو هدف الزاما با یکدیگر تعارض ندارند؛ روسیه می‌تواند واقعا خواهان کاهش تنش باشد و هم‌زمان از نقش‌آفرینی در این روند برای افزایش نفوذ خود استفاده کند. با این حال، طرح امنیت جمعی هنوز با چالش‌هایی جدی روبه‌روست. اختلاف در برداشت کشورهای منطقه از تهدیدهای امنیتی، بی‌اعتمادی متقابل و تفاوت در روابط آنها با قدرت‌های خارجی، شکل‌گیری یک سازوکار مشترک را دشوار می‌کند. فراگیربودن طرح به‌تنهایی تضمین نمی‌کند که همه طرف‌ها درباره اصول، تعهدات و شیوه اجرای آن توافق کنند.

چرا مسکو به کاهش تنش نیاز دارد

یکی از انگیزه‌های روسیه برای مشارکت در تلاش‌های دیپلماتیک، پیامدهای اقتصادی و امنیتی ادامه بحران است. بی‌ثباتی در خلیج فارس می‌تواند مسیرهای انتقال انرژی و کالا را تحت فشار قرار دهد و هزینه‌های حمل‌ونقل دریایی را افزایش دهد. روسیه نیز به‌عنوان صادرکننده مهم انرژی و بازیگری درگیر در شبکه‌های تجارت بین‌المللی، از تحولات این بازارها تأثیر می‌پذیرد. افزون بر این، تشدید بحران می‌تواند دامنه رقابت قدرت‌های خارجی را در منطقه گسترش دهد و بر روابط روسیه با ایران و کشورهای عربی اثر بگذارد. مسکو در سال‌های اخیر تلاش کرده است روابط خود را با طیف متنوعی از دولت‌های خاورمیانه حفظ کند. چنین سیاستی به روسیه امکان می‌دهد که در موضوعات مختلف، از انرژی و حمل‌ونقل تا بحران‌های امنیتی، کانال‌های ارتباطی متعددی داشته باشد. گسترش جنگ می‌تواند این موازنه را پیچیده‌تر کند و هزینه حفظ روابط هم‌زمان با بازیگران رقیب را بالا ببرد.

انگیزه دیگر، حفظ جایگاه روسیه در پرونده هسته‌ای ایران است. مسکو سابقه مشارکت در مذاکرات مربوط به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ را دارد و همچنان از تجربه دیپلماتیک و ارتباطات لازم برای اثرگذاری بر تحولات این پرونده برخوردار است. در همین چارچوب، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، آمادگی مسکو را برای انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران در صورت نیاز مطرح کرده است. پوتین نیز پیش‌تر گفته بود پیشنهاد روسیه برای انتقال این ذخایر همچنان معتبر است. این پیشنهاد را باید در حد یک امکان مطرح‌شده ارزیابی کرد، نه توافقی قطعی یا تصمیمی که اجرای آن نهایی شده باشد. جزئیات مربوط به شرایط انتقال، مقصد، نظارت و پذیرش آن در اطلاعات موجود روشن نشده است. اهمیت سیاسی این پیشنهاد در آن است که روسیه می‌کوشد خود را بازیگری برخوردار از ظرفیت فنی و دیپلماتیک برای کمک به حل یکی از دشوارترین بخش‌های اختلاف ایران و غرب معرفی کند.

شراکت راهبردی و ضرورت تبدیل توافق به عمل

در کنار تحولات منطقه‌ای، روابط دوجانبه بخش مستقلی از دستور کار سفر لاوروف را تشکیل می‌دهد. معاهده مشارکت جامع راهبردی ایران و روسیه که در اسفند ۱۴۰۳ امضا شد، چارچوبی برای توسعه همکاری‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی فراهم کرده است. این معاهده ۴۷ ماده دارد و موضوعاتی از جمله دفاع، تبادل اطلاعات، انرژی، همکاری هسته‌ای و مبارزه با تروریسم را دربر می‌گیرد. اهمیت سفر در این بخش به میزان پیشرفت از مرحله توافق‌های کلی به اجرای عملی آنها وابسته است. در مناسبات تهران و مسکو، همکاری اقتصادی، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، پرداخت با پول‌های ملی و گسترش مسیرهای حمل‌ونقل از اولویت‌های مطرح بوده‌اند. تکمیل خط‌آهن رشت ـ آستارا و توسعه کریدور شمال ـ جنوب نیز می‌تواند جایگاه دو کشور را در شبکه‌های ترانزیتی منطقه تقویت کند.

ارقام گزارش‌شده در مجموعه خبری، از رشد مبادلات اقتصادی و افزایش حمل بار در کریدور شمال ـ جنوب حکایت دارند. ارزش تجارت دوجانبه در سال پیش از انتشار گزارش‌ها حدود ۵.۸ میلیارد دلار اعلام شده که نسبت به سال قبل از آن ۲۱ درصد افزایش داشته است. همچنین، میزان حمل بار در کریدور شمال ـ جنوب از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۲۶ حدود ۸.۹ میلیون تن گزارش شده است. این ارقام نشانه وجود ظرفیت همکاری‌اند، اما برای ارزیابی کیفیت شراکت اقتصادی کافی نیستند. میزان سرمایه‌گذاری تحقق‌یافته، موانع بانکی، مشکلات بیمه و حمل‌ونقل و پیشرفت پروژه‌های زیرساختی نیز در تعیین نتیجه نهایی اهمیت دارند.

تحریم‌های غرب از عوامل زمینه‌ساز نزدیکی اقتصادی تهران و مسکو بوده‌اند. هر دو کشور به دنبال کاهش آسیب‌پذیری خود در برابر محدودیت‌های مالی و تجاری هستند و همکاری در حوزه پرداخت‌ها، انرژی و ترانزیت می‌تواند بخشی از این نیاز را پاسخ دهد. با این حال، هم‌زمانی منافع در مواجهه با تحریم‌ها به معنای حذف همه اختلافات یا تضمین تحقق پروژه‌ها نیست. شراکت راهبردی زمانی عمق می‌یابد که توافق‌های سیاسی به سرمایه‌گذاری، زیرساخت و مبادلات پایدار تبدیل شوند. از این منظر، سفر لاوروف فرصتی برای پیگیری اجرای تعهدات پیشین بود. نتیجه واقعی چنین رایزنی‌هایی را باید نه فقط در لحن بیانیه‌ها، بلکه در پیشرفت پروژه‌ها و روشن‌شدن موانع اجرایی سنجید.

روسیه، آمریکا و محدودیت اعتماد راهبردی

برای فهم دقیق‌تر محاسبات مسکو، باید به رفتار روسیه در قبال واشینگتن نیز توجه کرد. مجموعه دوم خبری به گزارش‌هایی درباره بررسی کاهش برخی محدودیت‌ها علیه نفتکش‌های مرتبط با روسیه و ایران و نیز تعلیق محدودیت‌های مربوط به گازوئیل روسیه از سوی دولت ترامپ اشاره دارد. این تحولات در متن تلاش واشینگتن برای مهار قیمت سوخت و نگرانی‌های اقتصادی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا مطرح شده‌اند. گزارش‌های یادشده همچنین از انتقاد شماری از سیاست‌مداران آمریکایی و اروپایی نسبت به این رویکرد حکایت دارند. رفتار ترامپ نمونه‌ای از سیاست معامله‌محور معرفی شده که در آن ملاحظات کوتاه‌مدت اقتصادی و انتخاباتی می‌تواند بر مواضع اعلام‌شده قبلی غلبه کند. در عین حال، گزارش‌ها نشان می‌دهند که کاهش محدودیت‌ها لزوما به کاهش پایدار قیمت سوخت یا حل اختلافات آمریکا و روسیه منجر نشده است. اهمیت این تحولات برای تهران در یک نکته اساسی نهفته است. مسکو می‌کوشد روابط خود با واشینگتن را حفظ کند و در صورت امکان از این ارتباطات برای دستیابی به منافع اقتصادی و سیاسی بهره ببرد. این رویکرد با تلاش روسیه برای توسعه همکاری راهبردی با ایران الزاما ناسازگار نیست، اما نشان می‌دهد که سیاست خارجی مسکو بر اولویت‌های مستقل خود استوار است. بنابراین، نباید از نزدیکی تهران و مسکو نتیجه گرفت که روسیه در همه شرایط، منافع ایران را بر ملاحظات مربوط به رابطه با آمریکا ترجیح خواهد داد. همان‌گونه که همکاری روسیه با ایران می‌تواند برای تهران فرصت دیپلماتیک ایجاد کند، تلاش مسکو برای معامله با واشینگتن نیز ممکن است با اولویت‌های ایران هم‌پوشانی کامل نداشته باشد. این واقعیت ضرورت ارزیابی محتاطانه روابط دوجانبه را برجسته می‌کند. در همین چارچوب، معامله انرژی میان مسکو و واشینگتن را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه چرخش کامل سیاست آمریکا به سود روسیه دانست. این تحول بیش از هر چیز از امکان تغییر جهت سیاست‌ها براساس محاسبات مقطعی حکایت دارد. برای ایران، پیام روشن آن است که همکاری با روسیه می‌تواند سودمند باشد، اما اتکای پایدار به آن نیازمند ارزیابی مستمر منافع، تعهدات و رفتار عملی طرف مقابل است.

متن کامل را در سایت شرق بخوانید